

به نام خدا

تأثیر اندیشه ویتگنشتاین بر فلسفه دین

www.ketab.ir

الله السادات سجاد دوست

سرشناسه	: سجاد دوست، الهه السادات، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور	: تاثیر اندیشه ویتگنشتاین بر فلسفه دین / الهه السادات سجاد دوست.
مشخصات نشر	: اصفهان: کنکاش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۹۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۶-۶۴۱-۳
موضوع	: ویتگنشتاین، لودویگ، ۱۸۸۹ - ۱۹۵۱ م. — دیدگاه درباره دین
موضوع	: -- Views on religion Wittgenstein, Ludwig
موضوع	: ویتگنشتاین، لودویگ، ۱۸۸۹-۱۹۵۱ م. — نقد و تفسیر
موضوع	: Wittgenstein, Ludwig -- Criticism and Interpretation
موضوع	: دین — فلسفه
موضوع	: Religion -- Philosophy
رده بندی کنگره	: B۳۲۲۶
رده بندی دیویی	: ۱۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۱۲۳۹۹

انتشارات کنکاش ناشر برتر کشور سال ۱۳۹۰ و ناشر برگزیده استان سال ۱۳۸۸



تأثیر اندیشه ویتگنشتاین بر فلسفه دین

مؤلف:	الهه السادات سجاد دوست
ناشر:	انتشارات کنکاش
نوبت چاپ:	اول
تاریخ نشر:	۱۴۰۰
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
مدیر تولید:	محمد جزینی
چاپ:	کنکاش
صحافی:	مردانی
قیمت:	۴۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۱۳۶-۶۴۱-۳

اصفهان، سه راه حکیم نظامی، ابتدای خیابان ارتش، چاپ و نشر کنکاش
تلفن: ۳۶۲۵۸۰۴۹ (۰۳۱)

فهرست

۶	مقدمه
۹	فصل اول
۹	زندگی و آثار ویتگنشتاین
۹	زندگی ویتگنشتاین
۱۶	نگرش دینی ویتگنشتاین
۲۴	آثار و تألیفات ویتگنشتاین
۲۷	فصل دوم
۲۷	دوره های فلسفی ویتگنشتاین
۲۷	ویتگنشتاین متقدم، تراکتاتوس
۳۳	ویتگنشتاین متأخر، پژوهشهای فلسفی
۴۷	فصل سوم
۴۷	نسبت فلسفه ویتگنشتاین با دین
۴۷	آرای ویتگنشتاین متقدم و نگرش مدرن
۴۸	دین از منظر اندیشه مدرن
۵۱	باور دینی در اندیشه ویتگنشتاین متقدم
۵۸	آرای ویتگنشتاین متأخر و نگرش پستمدرن
۶۰	دین از منظر اندیشه پستمدرن
۶۴	باور دینی و اندیشه ویتگنشتاین متأخر

نسبت فلسفه دین یکی از پویاترین شاخه‌های فلسفه در قرن بیستم است. بسیاری از فلسفه‌های معاصر می‌کوشند نسبت خود را با گزاره‌های مندرج در این فلسفه مشخص کنند. فلسفه تحلیلی نیز از این امر مستثنی نیست. عموم نظریات این سنت در قبال این پرسش را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد، نخست، دسته‌ای هستند که معتقدند گزاره‌های دینی بی‌معنا هستند. نمونه شاخص این گروه پوزیتیویست‌های منطقی‌اند. دسته‌ای دیگر، اما به گرامر و منطق بازی‌های زبانی متمایل هستند و بر این اساس این‌گونه مسئله را مطرح می‌کنند که بازی زبانی دینی بر اساس قواعد خاصی صورت می‌گیرد و فلسفه باید ضمن توجه به این قواعد متمایز سعی در فهم منطق درونی آن‌ها داشته باشند.

در همین زمینه نسبت علم و دین در دوران مدرن نیز از جمله موارد مناقشه‌برانگیز بوده است. این مسئله در قرون شانزدهم و هفدهم در زمینه نجوم و کیهان‌شناسی خود را نشان داد. در قرن هجدهم با فیزیک نیوتنی عمق بیشتری پیدا کرد و در قرن نوزدهم با اندیشه‌های زیست‌شناسی و نظریه تکامل به اوج خود رسید. در قرن بیستم، یافته‌های فیزیک کوانتوم در کنار فلسفه‌های نوین این رابطه تخصص‌آمیز را تعدیل کردند. با این همه، می‌توان از چهار رابطه تعارض، تمایز، تکمیل و تأیید میان علم و دین سخن گفت (قائم‌نیک، ۱۳۸۸، ص ۹۵).

انسان از آغاز خلقت خود را موجودی دین‌دار یافته است. او نخست اعتقادات خود را در قالب اسطوره‌ها بیان می‌کرد. با گذشت ایام و شکل‌گیری فلسفه، عقل جایگاهی ویژه یافت. ارسطو کوشید با عقل نظام عالم را تبیین کند، اما به فعلیت محض یا متحرک نامتحرک رسید. با ظهور مسیحیت، آکویناس کوشید میان خدای کتاب مقدس و خدای فلسفه یونانی آشتی ایجاد کند. او خدا و علت‌العلل را یکی دانست. در دوران رنسانس نسبت به مواضع قرون وسطایی واکنش‌های دفعی صورت گرفت و دین نیز از این امر مستثنی نماند. برخی، اما در صدد دفاع از دین برآمدند. دکارت، کوشید از طریق عقل از دین دفاع کند. کانت نیز دین را از حوزه عقل

نظری به حوزه عقل عملی رهنمون شد. هگل در پی بحث الهیات طبیعی گفتگو درباره الهیات فلسفی را آغاز کرد. اندکی بعد، اما علم، در ظاهری نوین، مدعی جدید مدعیات دینی شد. در نیمه نخست قرن بیستم، پوزیتیویسم فلسفه‌ای بود که می‌کوشید با آشتی فلسفه و علم و منطق، آن سه را نخست یکی گرداند و سپس دین را به مثابه گزاره بی‌معنا کنار بگذارد (زندیه، ۱۳۸۶، ص ۲۰-۱۹).

ویتگنشتاین در چنین فضایی فلسفه خود را بنیان نهاد. فلسفه او به گواه عموم بررسی‌های نقادانه، به دو دوره تقسیم می‌شود. محصول دوره نخست تراکتاتوس و محصول دوره دوم پژوهش‌های فلسفی است. حلقه وین برداشتی از تراکتاتوس را رواج داد که طبق آن ویتگنشتاین را پوزیتیویستی راسخ نشان می‌داد که به بی‌معنایی گزاره‌های دینی معتقد است. این برداشت، البته مورد نقد بسیاری از متفکران و از جمله خود ویتگنشتاین نیز قرار گرفت. سخن ویتگنشتاین متقدم درباره دین، اگرچه شباهت‌هایی با آرای حلقه وین دارد، اما واجد ظرایفی است که نشان می‌دهد نگرش ویتگنشتاین به مسئله دین، تفاوت‌هایی قابل تأملی را نیز نمایندگی می‌کند. به تعبیری «ویتگنشتاین منکر این که متافیزیک معنایی داشته باشد نیست، تنها چیزی که وی منکر آن است این است که این معنا را بتوان از راه زبان توضیح داد» (دولاکامپانی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱). ویتگنشتاین متاخر، اما در فضایی متفاوت تفلسف می‌کند و به همین مناسبت درکی بسیار متمایز از دین و نیز نسبت دین و فلسفه ارائه می‌دهد. ویتگنشتاین در این دوران با ابداع مفاهیمی نظیر بازی زبانی و نحوه معیشت، هم از تجربه دینی اعاده حیثیت کرد و هم از علم مدرن افسون‌زدایی کرد. از این منظر، ویتگنشتاین را حتی می‌توان سرآغازی بر گذار از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم نیز دانست، زیرا از درون بحث بازی‌های زبانی ویتگنشتاین، نوعی نقد فراروایت و پذیرش تکثر روایت‌های معرفتی قابل برداشت است.

با این تفاسیر مسئله این نوشتار، در وهله اول، شرح فلسفه ویتگنشتاین متقدم و متاخر و در وهله دوم، بسط نتایج برآمده از این مبانی با حوزه معرفت دینی است. بنابراین این متن می‌کوشد نشان دهد اولاً آن دفاع یک‌جانبه‌ای که برخی از طرفداران علم نسبت به برتری همه‌جانبه آن نسبت به سایر حوزه‌های معرفتی از خود بروز می‌دهند، قابل نقد و قابل مکث است و ثانیاً

می‌توان همچنان در دنیای مدرن و پست‌مدرن امروز، از دین و تجربه دینی و باورهای دینی دفاع کرد.

www.ketab.ir